

عنوان مقاله:

اصول و مبانی کاربردی جامعه‌شناسی ادبیات (در حوزه شعرعرفانی) با تکیه بر نمونه‌هایی از متون نظم عرفانی عصر صفوی

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

اعظم زنگنه - دانشجوی دکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

خلاصه مقاله:

عصر صفوی به علت سیاست خاص مذهبی اش در تاریخ ایران، عصر ویژه‌ای محسوب می‌شود و عرفان نیز در این دوره تغییر مسیر می‌دهد و از طرفی تاریخ آن نیز بیشتر به دست افراد وابسته به حکومت نوشته شده است. از این رو، متون ادبی آن دوره، می‌توانند گویای مسائل اجتماعی زیادی باشند. در این مقاله، اشعار عرفانی عصر صفوی با نگاهی نو بررسی شده و لایه‌های پنهان متن، آشکار شده و اصول و مبانی تازه و کارآمدی برای این نوع نقد معرفی می‌شود. این شیوه از تحلیل که کاملا نوآورانه است؛ از میان علوم مختلفی همچون زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان و سبک‌شناسی، معانی و بیان... سرچشمه گرفته است. پس از مطرح کردن مشخصه‌های بررسی شعر و خصوصاً شعر عرفانی، به توصیف و تبیین و تحلیل متون مورد نظر پرداخته و پس از آن، عوامل سیاسی اجتماعی سبب ساز آن، بررسی شده است. بسامد بالای عناصر شیعی (نشانه‌ای از التقاط تشیع و تصوف)، حضور بالای نهاد در جملات (نشانه‌ای از بی‌پروایی شاعران در بیان ما فی الضمیرشان که خود معلول پیوند ایشان با مرکز قدرت است)، فراوانی جملات معلوم و بلند (نشانه‌ای از اطمینان گویندگان به گزاره‌های طرح شده) و... بخشی از این دلالت‌های ضمنی است. از سوی دیگر حواله دادن برخی کاستی‌ها به مردم عصر و زهد و واعظان یا قضای ایزدی، نشان می‌دهد که این گویندگان یا همچنان زیر سیطره نگاه غالب و سنت‌های ادبی و عرفانی هستند یا به اقتضای روابطی که با مرکز حکومت دارند نمی‌توانند انتقادات را مستقیماً به سران حکومت و بدنه اصلی آن متوجه بکنند.

کلمات کلیدی:

جامعه‌شناسی ادبیات، شعر، عرفان، عصر صفوی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1016378>

